

این قسم حیطة گسترده ای از تجارب دینی را در بر می گیرد که در یک سوی آن، الهامات و مکاشفات والای عارفان و پیشوایان دینی قرار دارد و در سوی دیگر آن نیز تجارب توده مومنان^۳ در واقع آنچه فطرت خدانشناسی انسان خوانده می شود، به همین گونه (بی مدد حس) آن حقیقت غایی را به آدمی می نمایاند، اگر چه ممکن است وقایعی حسی زمینه شکوفایی این تجربه را فراهم سازند. بر این اساس، امام صادق علیه السلام کسی را که از گفتگو درباره خدا ره به جایی نبرده و در حیرت افلته بود، به حالتی فرا می خواند که امید از همه اسباب مادی بریده، ولی همچنان به فریاد رسی و الاتر چشم دوخته است.^۴

ب) تجارب اصالتا دینی و تجارب تفسیری

در تقسیمی دیگر می توان تجربه دینی را بر دو قسم دانست:

۱. تجاربی که دینی نامیدن آنها تکیه گاهی جز خود تجربه ندارد و همه ناظران – صرف نظر از اینکه آن تجارب را معتبر یا نامعتبر بدانند – بر دینی بودن آن ها اتفاق نظر دارند. برای مثال، شنیدن ندای «انی انا الله» از درخت، بی گمان تجربه ای «دینی» است و دینی خواندن آن در گویو تفسیر خاصی از این رویداد نیست.
۲. تجاربی که دینی نامیدن آنها به دلیل تفسیر ویژه ای است که شخص تجربه گر از آنها به دست می دهد. این نمونه های عمومی را از تجارب دینی تفسیری دانسته اند: بلاها و ناگواری ها را نتیجه گناه پیشین دانستن؛ برای مشارکت در رنج و مصائب مسیح، به استقبال بیماری شتافتن؛ همه حوادث تلخ و شیرین را مورد پسند جانان دیدن و نیز رویدادی خاص را پاسخ دعای خود انگاشتن^۱

سرشت تجربه دینی

کسانی چون شلایر ماخر، ویلیام جیمز و رودلف اتو (۱۹۳۷ – ۱۸۶۹م) تجربه دینی را از قبیل احساسات و عواطف شمرده اند. گروهی دیگر بر این باورند که تجربه دینی همسان ادراک حسی است و ساختار آن، با چنین ادراکی تفاوت ماهوی ندارد. به تعبیر دیگر، میان تجربه دینی و تجارب رایج حسی، شباهت های اساسی ذاتی فراوان می توان یافت.^۱

به نظر می رسد مراب بالای تجربه دینی از مقوله علم حضوری است؛ به گونه ای که میان تجربه گر و متعلق تجربه، واسطه ای در کار نیست. به باور فیلسوفان مسلمان، حتی در تجارب دینی شنیداری، پیش از آنکه گوش تجربه گر اصواتی را بشنود، قلبش از آن آگاه می گردد: «کلام الهی را اول دل نبی شنود... و بعد از آن مسموع سمع ظاهر گردد.»^۲

چکیده فصل

۱. اصطلاح «تجربه دینی» در کاربردی عام، درباره هر نوع تجربه مرتبط با زندگی دینی (از حالات توده مومنان گرفته تا کشف و شهود عارفان و وحی پیامبران) به کار می رود و در کاربردی خاص، به تجربه «آگاهی از خداوند» منحصر می گردد.

۲. این عوامل را می توان در طرح مسئله دینی و اهتمام به آن موثر دانست: ضعف نظام های فلسفی غربی در دفاع عقلانی از آموزه های دینی، نقد کتاب مقدس، همراهی با قافله علم تجربی و نیز تحلیل مادی گرایانه از پدیده های به ظاهر ماورایی.

۳. یکی از دانشمندان مسیحی، آن دسته از تجارب دینی را که با واسطه امری حسی تحقق می یابند، بر چهار قسم می داند: پدیده ای همگانی و متعارف، پدیده ای همگانی و نامتعارف، پدیده ای شخصی و قابل توصیف با زبان متعارف و نیز پدیده ای شخصی و غیر قابل توصیف با زبان متعارف.

۴. دینی خواندن برخی از تجارب، به دلیل «تفسیر» ویژه ای است که شخص تجربه گر از آنها به دست می دهد. برخی از نویسندگان، برخی امور را از تجارب دینی تفسیری دانسته اند: بلاها و ناگواری ها را نتیجه گناه پیشین دانستن؛ همه حوادث تلخ و شیرین را مورد پسند جانان دیدن و نیز رویدادی خاص را پاسخ دعای خود انگاشتن.

۵. گرهی تجربه دینی را از قبیل احساسات و عواطف شمرده و برخی دیگر آن را همسان ادراک حسی دانسته اند. به نظر می رسد مراتب بالای تجربه دینی از مقوله علم حضوری است. (پایان صفحه ۸۹)

فصل ششم صفحه ۹۱

کثرت گرایی دینی

- انحصار گرایی
- شمول گرایی
- کثرت گرایی
- مبانی کثرت گرایی

و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین، و هر که جز اسلام دینی دیگر جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانگاران است.

بی تردید امروزه در جهان، ادیان گوناگونی یافت می شود که به کثرت ادیان یاد شده است. آیا می توان این کثرت را به رسمیت شناخت و همه ی ادیان - و دسته کم گروه برگزیده ای از آنها - را بهره مند از حقیقت دانست؟

دیدگاه های گوناگون در لاره ی حقانیت و نجات بخشی ادیان

الف) انحصار گرایی

انحصارگرایی دیدگاهی است که نه تنها صدق و حقانیت، بلکه نجات را نیز در انحصار دینی خاص می داند و در بهشت و سعادت اخروی را به روی پیروان ادیان دیگر بسته است. بسیاری از مسیحیان در تفسیر آموزه هایی چون ((تجسد)) و ((فدیه)) - که از

ارکان اساسی مسیحیت به شمار می روند = چنان سخن می گویند که حتی پیامبران پیش از عیسی را نیز نیازمند نجات بخشی وی می نمایانند.

برخی از آیات کتاب مقدس نیز بیانگر انحصار گرایی مسیحی است، مثلاً، آنجا که یوحنا از زبان حضرت عیسی می گوید: ((هیچ کس نزد پدر جز بوسیله ی من نمی آید.)) از همین روست که کلیسا از قرن سوم هجری این اعتقاد جزمی را شعار خود قرار داده که ((بیرون از کلیسا راهی برای نجات نیست.)) با این همه، در سال عای اخیر مسیحیان تا حدودی موضع انحصار گرایانه خود را تعدیل نموده اند پنانکه به گفته ی برخی از اندیشمندان مسیحی، کلیسای کاتولیک از شورای واتیکانی دوم (۱۹۶۵-۱۹۶۲م) دسته کم در بیانیه های رسمی خود به نگرشی شمول گرایانه روی آورده است.

ب) شمول گرایی

شمول گرایی دیدگاهی است که ((حقانیت)) را به دینی خاص منحصر می سازد، اما دامنه ی نجات را نزد بسیاری از پیروان ادیان دیگر نیز می گستراند. شمول گرایان بر این باورند که ((حقیقت به صورت جزیی و کمرنگ، در سنت های دینی دیگر نیز منعکس شده است)). مسیحیانی که از این دیدگاه جانبداری می کنند همانند انحصار گرایان بر نقش منحصر به فرد تجسد حضرت عیسی و فدا شدن ایشان برای گناه ذاتی آدمیان تاکید می ورزند اما با این همه بر این باورند که ((آثار و منافع این ایثار و از خود گذشتگی هرگز به کسانی که بطور آشکار به آن ابراز ایمان می کنند، محدود نیست)).

شمول گرایی مسیحی را غالباً با نام کارل رانر (۱۹۸۴-۱۹۰۴م) از اندیشمندان معاصر کاتولیک پیوند می زنند. او غیر مسیحیان مشمول رستگاری را ((مسیحیان بدون عنوان)) می خواند. تعبیری که برخی آن را به ((عضویت افتخاری)) در یک سازمان همانند می کنند. وی بر آن است که حتی پیش از دوران مسیحیت، نجات یابی پیروان ادیان دیگر تنها ((به دلیل اطاعت از مسیح موعود)) بوده است.

ج) کثرت گرایی

کثرت گرایی یا پلورالیسم دینی، دیدگاهی است که ادیان دیگر را به رسمیت می شناسد و همه ی آنها را راهی به سوی حقیقت می داند. جان هیک فیلسوف و دین پژوه انگلیسی، این دیدگاه را در سال های اخیر پرورانده و کتاب ها و رساله هلی در این باب نگاشته است. وی نخستین بار در سال ۱۹۷۷ میلادی با انتشار کتابی به نام اسطوره حلول خداوند، دیدگاه رایج مسیحیان درباره ی حلول و تجسد خدا در مسیح را به چالش کشید و خواستار آن شد که با نگرشی اسطوره ای به این آموزه ها، بستر پذیرش ادیان دیگر فراهم گردد.

هیک به خاستگاه اجتماعی دستیابی به این موضوع کثرت گرایانه نیز اشاره کرده و مهاجرت به بیرمنگام را که به گفته ی وی ((از نظر نژادی، فرهنگی و مذهبی، شهری کاملاً پلورالیستی بود)) را نقطه عطفی در زندگی خود دانسته است. وی از یک سو در برخورد با پیروان ادیان دیگر، بسیاری از آنان را انسان هایی معقول و شرافتمند می یافت و از سویی دیگر، از تبعیض هایی که جامعه انگلستان در حق اقلیت های نژادی و مذهبی روا می داشت، به شدت آزرده می گشت. سر انجام هیک به این نتیجه رسید که یکی از راهکار های بنیادی برای از میان بردن چنین تبعیض هایی، ((تصدیق صریح و صادقانه ی این امر است که در مقوله ی پیام های وحیانی... باید به تفکری تکثرگرایانه روی آوریم.)) در واقع، هیک و پیروان و همفکرانش ((پلورالیسم در حقانیت)) را بهترین و یگانه راه برای تحقق ((پلورالیسم در رفتار)) می دانند و گاه به غلط از یکی به دیگری پل می زنند.

انواع دیگر پلورالیسم دینی